

# تنبیه و اثرات نامطلوب آن بر فرزند

صفات بدو ناخوشایند طفل حاکی از احتیاج او به ارشاد و کمک ماست .

گاه دروغگوئی و بی ادبی طفل عکس العملی است بر عملی که فهمیده یا نفهمیده توسط ما انجام میشود : شیطانی میکند تا مارا برنجاند و دروغ میگوید تا انتقام بگیرد .

لازم است بطفل بفهمانیم که او تنها نیست و فقط بخاطر خود زندگی نمیکند و دانستن يك سلسله اصول برای رفتار و برخورد با دیگران برای او لازم است . اگر در اثر بی حوصلگی یایی اطلاعی او را از این اصول با اطلاع نکنیم او در معاشرت خود اول در محیط کوچک خانواده سپس مدرسه و بعدها اجتماع دچار اشکال شده سعی میکند خود را از اجتماعات کنار بکشد باین ترتیب از ابراز و انجام خواسته های خود بیم داشته این مطلب او را رنج میدهد . باوجود اینکه تفاوت سنی بسیاری با کودک داریم گاه درمقابل مشکلات او عاجز مانده نمیدانیم چگونه او را راهنمایی و ارشاد کنیم . در اینجاست که برای رفع مشکلات و فهماندن اصول لازم بکودک از تنبیه استفاده میکنیم . کاش میدانستیم چه روش غلطی را در پیش میگیریم .

## نتایج ناخوشایند

کیفیت این تنبیهات چیست ؟ چگونه آنها را انتخاب کرده ایم ؟ نتایج حقیقی آنها چیست ؟ تنبیهاتی که امروز در مورد کودکان اجراء میشود با گذشته چندان تفاوتی ندارد . این تنبیهات از اینفرارند ، محروم کردن طفل از دسر یا خوراکی مورد علاقه اش ، ترساندن کودک یا حبس کردن او در محل های تاریک و بالاخره عصبانی شدن پدر و مادر و پرخاش و کتک لطفاً ورق بزنید

پدران و مادران اغلب از فرزندان خود شکایت دارند ، آنها ادعا میکنند که باوجود اینکه کودک دروغگو ، بی ادب ، شیطان و تنبل خود را بعنوان معتصاف تنبیه میکنند بهیچوجه اصلاح نمیشوند و میگویند « هر کاری از دستان برمیآید کردیم ولی این بچه خوب بشو نیست » این جمله را اغلب پدران و مادران دائم ادا میکنند مهلدا اگر دستورانی در مورد تنبیه کردن بچه با آنها داده شود کمتر آنرا رعایت میکنند .

## معایب کودک

تا مدتها اینچنین تصور میشد که کودک با معایب متولد میشود مثلاً دروغگو ، راستگو درستگار یا خطاکار بدنیا میآید ، همانطور که با چشمان آبی یا سیاه متولد میشود . ولی باید از این اشتباه بیرون آمده قبول کرد که پدید آمدن معایب در کودک بی دلیل نیست . معایب اغلب اثرات نامطلوب احساس طفل هستند مثلاً احساس حقارت و احساس کم توجهی که در اثر خشونت ، کتک و زخم زبانه های بزرگترها بوجود میآید .

تنها وظیفه ما بزرگتر ها ، پدران و مادران و معلمین این نیست که دائم برای کودک نطق های اخلاقی ایراد کنیم ، بلکه بهتر است با توجه به امکاناتش او را برای پذیرش تازگیها و مسائل جدید زندگی آماده نمائیم تا بتواند در درجه اول خود را با اجتماع کوچک خانواده ، سپس مدرسه و آنگاه اجتماع بزرگ کار و زندگی تطبیق دهد . بنا براین باید از بدو تولد طفل در بوجود آوردن صفات خوب در او کوشیده حس آزادی و استقلال را تا آنجا که قیود اجتماع اجازه میدهد در او بوجود آوریم .

از: دکتر آصفه آصفی





زدن طفل . این تشبیهات ممکن است برای مدت کوتاهی طفل را از انجام کار ناخوشایندی باز دارد ولی بعدها از نظر روانی بر طفل اثر کرده عقده حقارت همراه با ترس و وحشت در او بوجود میآورد .

در اینجا به مطالعه اثرات ناخوشایند چند تشبیه میپردازیم تا ببینیم آیا برای اصلاح طفل راه بهتری جز تشبیه وجود ندارد ؟

### ترس

مازیار پسر شیطان و پرجوش و خسروش و شیطانی بود اعضای خانواده یکدم از دستش آسایش نداشتند نه پدر میتوانست بآرامی روزنامه‌اش را بخواند و نه مادر میتوانست با خیال راحت بکارهایش برسد مازیار حتی از اذیت کردن خواهر خردسالش ژاله نیز فروگذار نبود . روزی که خواهرش مشغول نقاشی با آبرنگ بود باو نزدیک شده بازار اذیت او پرداخت ژاله کوچک بهیچوجه موفق نمیشد او را دور کند بناچار پدر بچه‌ها بکماک شتافته او را دور میکند ولی در موقع فرار دست مازیار بطرف آبی که ژاله قلم‌موی خود را در آن فرو میرسد برخورد آب کثیف روی نقاشی میریزد . پدر برای تشبیه مازیار را به انباری که اسباب و اثاثیه اضافی را در آن میگذاشت میفرستد و در را به رویش مینندد و باو میگوید « موقعیکه تصمیم گرفتی دیگر شیطانی نکنی میتوانی باطاق ناهار خوری بیایم » مازیار مدتی در آنجا میماند و غرور بچگانه‌اش مانع از آن میشود که از اطاق بیرون بیاید ولی بالاخره ترس و وحشت به‌او غلبه کرده نزد پدرش رفته عذرخواهی میکند . بنظر میرسد که پدر نتیجه مطلوبی از این تشبیه گرفته‌است . آیا پدر باین کار فرزند خود را کاملاً اصلاح کرده‌است ؟

### احساس عدم امنیت

کودک در بدو تولد در مقابل هر چیز جدیدی که با آن مواجه میشود احساس ناامنی میکند اگر حس کند سعی و کوشش او بجائی نمیرسد و نمیتواند خود را با این شیئی جدید تطبیق دهد این احساس در او کم‌کم تقویت شده بزودی دچار اضطراب و ناراحتی میشود .

وقتی کودک میترسد وظیفه ما اینست که با او بفهمانیم که ترس او بی‌هوده است و خطری وجود ندارد. اگر ترس او خیالی است باید بوسیله‌ای با او بفهمانیم که وحشت و از تصورات و خیالبافیهایش بی‌اساس میباشد. بطور کلی باید بتدریج راه و رسم زندگی را با او یاد داد.

اگر کودک را بطریقی که در بالا ذکر شد تنبیه کنیم بادت خود فرزندمان را موجودی ترسو بار آورده‌ایم و همین ترس است که همیشه موجبات ناراحتی طفل را فراهم آورده احساس عدم امنیت را در کودک تقویت میکند.

### علم اعتماد

کودک دنیا را از دریچه چشم پدر و مادر خود میشناسد، اگر رفتار اولیاء پدر او اعتماد بوجود بیاورد، او نتیجه میگیرد که دنیا قابل پذیرش است و پس از مدتی که با اوضاع آشنا شد هیچ حادثه ناخوشایندی خاطرش را نمیرنجاند. ولی پدر با به غلط تنبیه کردن طفل در او این احساس را بوجود می‌آورد که شخص بی‌لیاقت و ضعیفی میباشد و این احساس است که طفل را از دنیا و مردم گریزان کرده او را تبدیل بفریدی گوشه‌گیر و کمرو میکند.

### دشمنی و کینه‌توزی :

ما پدر و مادران هستیم که حس دشمنی و کینه‌توزی را در طفل بوجود می‌آوریم. زیرا ما که بعنوان اصلاح‌کودک او را در اطاقی تاریک تنبیه میکنیم و مدت‌ها او را در حالت بیم و هراس باقی می‌گذاریم دشمن طفل را برعلیه خود برمی‌انگیزیم، بطوریکه او تصمیم میگیرد بنحوی از ما انتقام بگیرد.

اگر این قبیل تنبیهات متناوباً در مورد طفل اجراء شود، احساس عدم امنیت و اضطراب در طفل زنده شده در آینده عوارضی نامطلوب در طفل بوجود می‌آورد.

### حقارت

انوشه دختر کثیفی بود که به هیچوجه حاضر نمیشد دستهای خود را بشوید و ناخنهایش را تمیز کند. مادرش به هر طریقی سعی میکرد او را اصلاح

کند موفق نمیشد و تنبیه‌های مختلف نیز در اصلاح او بی‌تاثیر بود. مادر تصمیم میگیرد با برانگیختن حس شرم و حیا در طفل او را اصلاح کند. برای این منظور دائم جلوی دیگران این عیب انوشه را گوشزد میکرد و هرگاه مهمانی برای آنها می‌آمد و سراغی از انوشه میگرفت مادر با حدای بلند بطریقی که او بفهمد میگفت انوشه دختر کثیفی است و بهتر است که در اطاق خودش بماند تا دیگران او را نبینند، ولی برعکس برادر کوچکتر را که پسری تمیزی و مرتب بود صدا کرده در حالیکه نظافتش را تحسین میکرد او را به مهمانان معرفی مینمود. او فکر میکرد بهترین راه حل را برای اصلاح دخترش یافته‌است و از این کشف خود خرسند بود. ولی متأسفانه این کار مادر بعدها عوارض و ناراحتیهای بسیاری در طفلش بوجود آورد.

### دلسردی

پدر و مادر با تحقیر کردن طفل خصوصاً در حضور دیگران زخم او را شدیدتر کرده بادت خود فرزندشان را برای همیشه دچار دلسردی و بی‌تفاوتی میکنند.

انوشه همیشه تحقیر میشد، همه میگفتند «ببین برادرت همایون چه پسر خوب، مودب، با هوش و تمیزی است در حالیکه تو درست نقطه مقابل او بوده هرگز قادر نیستی مانند او باشی» یا مادرش میگفت «ببین برادرت چه تمیز و مرتب از بیکنیک برگشته گویی همین الان این لباسها را پوشیده باشد» متأسفانه این قبیل سخنان و زخم زبانه نه تنها در اصلاح او موثر واقع نمیشد بلکه کم‌کم موجبات دلسردی و بی‌تفاوتی طفل را فراهم میساخت، زیرا او هرچه سعی میکرد نمیتوانست نظر اولیاء خود را جلب کند و هرگز مورد تشویق آنها قرار نمیگرفت، باین وضع او پس از مدتی از کوشش کردن برای نظافت خود دست کشیده دیگر باین مسأله فکر نمیکرد گویی بی‌توجهی پدر و مادر سبب شده بود که مهر کثافت تا ابد در وجود دخترش حک شود.

لفظاً ورق بزیند

طریق عصیانیت خود را فرو می‌نشانند .

ماجرای این پسر ۱۰ ساله جالب توجه می‌باشد. این ماه نمرات فریدون کوچک خیلی کم شده بود بطوریکه چند تا سفر و چند نمره تک داشت روزی که کارنامه‌اش را باو دادند تا مدتها جرئت نمی‌کرد وارد خانه شود و تا سه روز از نشان دادن کارنامه به اولیایش خودداری میکرد . روز سوم که می‌بایست کارنامه را به مدرسه ببرد سر بیچانه به پدرش گفت: « راستی پدر فراموش کردم کارنامه‌ام را به‌دهم امضاء کنی » سپس با ترسی بسیار کارنامه را آورد و به پدرش داد . پدر نگاهی به کارنامه او نمود و بادیدن نمرات بد فریدون عصمانی شده فریاد زنان او را به‌باد کتک گرفت .

فریدون بیچاره زار زار می‌گریست و مرتسبا قسم می‌خورد که دیگر این وضع تکرار نخواهد شد . دیر آمدن بمنزل ، رعایت نکردن نظام خانواده و دشمن شدن با پدر و مادر و اطرافیان اولین نتایج نامطلوب این کتک زدن بود .

### یاغیگری

کودکی که دائم از پدر مستبد و عصمانی خود کتک می‌خورد حس تنفر و وجودش شعله ور شده باهر گونه نظام و قانونی بمخالفت می‌پردازد . یک تجزیه و تحلیل از مردان شرور و خطاکار ما را باین نتیجه می‌رساند که این افراد فرزندان پدرانی سختگیر و مستبد می‌باشند که در سنین کودکی دائم از پدر خود کتک خورده در بیم و هراس بسر برده‌اند .

### دروغ

اینگونه سختگیرها اغلب سبب میشود که کودک برای کتک نخوردن متوسل به دروغگوئی بشود . بعدها این دروغگوئی برای او عادت شده از بیان نکردن حقیقت لذت می‌برد .

### مازوشیسم

گذشته از ناراحتیهائی که در همان زمان در طفل بوجود می‌آید کم‌کم کتک خوردن برای طفل

اگر با کودکی اینگونه رفتار شود این فکر در او بوجود می‌آید که عیبوش غیر قابل اصلاح بوده این خواست تقدیر است که او چنین بار آمده است و با تقدیر و سرنوشت نمیشود جنگید . چنین کودکی در مدرسه شاگرد تپیل ، بی‌تفاوت و بی‌خیالی میشود که تشبیهات و نمرات بد هیچگونه تأثیری در او ندارد . همچنین ساعتها بفکر فرو میرود بطوریکه وقتی معلم صدایش میکند سرخ شده به لکنت زبان می‌آیند . معذرا اگر يك آزمایش هوش از این طفل بکنیم باکمال تعجب متوجه میشویم که نمریب هوشی او با همسالانش تفاوتی ندارد و هوش و ذکاوت او کاملا طبیعی است.

یک طفل طبیعی همیشه در رویا و تخیلاتش آینده‌ای روشن و مسلو از موفقیت و گامیابی برای خود بسازد . در حالیکه کودکی که دل‌سرد و بی‌تفاوت میباشد همیشه فکر میکند که هرگز از آنچه هست بهتر نخواهد شد و بنا براین هیچگونه کوششی برای خارج شدن از این لاک کثیف و ناراحت کننده نمیکند .

این قبیل اطفال فکر میکنند که در خانواده منغور می‌باشند و این احساس خوشحالیشان میکند زیرا این تنها مکانیزم دفاعی است که طفل برای ارضای خود بدان متوسل میشود .

### مجرم

تسخیر ، تحقیر و اوقات تلخی با طفل از کتک خوردن برایش ناراحت کننده تر بوده اعتماد به نفس او را از بین می‌برد .

این قبیل اطفال هستند که اغلب در سنین خیالی بائین مرتکب اعمال خلافی شده تحت تعقیب قانون قرار میگیرند .

### کتک

کتک زدن یکی از رایج‌ترین تشبیهاتی است که پدر و مادر ایرانی بکار می‌برند . با کوچکترین خلافی که از طفل سر میزند پدر یا مادر او را به‌باد کتک میگیرند یا سیاهی محکمی بگوشش میزنند و باین

صورت عادت در آمده از ان لذت میبرند . حساس پس از مدتی ضایعات روانی ناراحت کننده ای در طفل بوجود میآورد .

— مثالهای فوق برای نشان دادن اثرات نامطلوب کتک زدن کافی نیست . آنچه مسلم است اینست که کتک زدن تنها يك اثر آبی دارد و این اثر کاملا بیفایده است و درست بقوزی میماند که از هر طرف آنرا فشار دهیم از طرف دیگر سر درمیآورد .

معایب و اشتباهات کودک نیز چیزی نیست که با کتک اصلاح شود و بجه هرچه بیشتر کتک بخورد ملامت روحی او بیشتر بخطر میافتد .

### چه باید کرد ؟

بدون شك منظور ما از مطالب فوق این نیست که کودک را به هیچوجه نباید تنبیه کرد ؟

اگر عمل خلافی از طفل سر میزند بهتر است بجای کتک زدن و حبس کردن او در انبار ، نتایج نامطلوب عمل بد او را برایش توضیح دهیم . توضیحات ما باید آتقدر طبیعی باشد که طفل هرگز فکر نکند که اجباری در کار است . در اینصورت کودک خیلی زودتر حر فمارا قبول کرده از این بد بعد سعی میکند دست باین قبیل کارها نزند و رعایت بعضی از مسائل بنظر او طبیعی آمده برایش عادت میشود .

برای اینکه تنبیه اثر مطلوب و معقولی داشته باشد رعایت این مسائل لازم میباشد .

۱- مسائل را باید بدون عصبانیت و خشم بکودک فهماند . در اینصورت طفل تصور میکند که قوانینی که پدر و مادر برایش وضع میکنند کاملا جنبه طبیعی و همگانی دارد و این احسان سبب میشود که او کمتر از دستورات آنها سرپیچی نماید . اغلب اتفاق میافتد که بعضی از قوانین و محدودیتهائی که موجبات رنجش و ناراحتی طفل را فراهم میکند اگر بادلیلی منطقی همراه باشد براحتمی برایش قابل پذیرش است .

مثلا اگر پسر كوچك ما تشخیص داد که در را حتما باید بعد از غذا بخورد بیهوده برای خوردن



مجموعه مقالات فرسنگ  
مجموع علوم انسانی

آن دائم بهانه نمیگیرد .

— یا اگر دختر ما چند جلسه ای بمدرسه نرفت تشخیص میدهد که از درسش عقب مانده و روز جمعه در خانه میماند تا عقب ماندگی خود را جبران کند . همچنین سینمایی که پدرش به او قول داده را از دست میدهد .

بقیه در صفحه ۳۵

## نتیجه و اثرات نامطلوب...

بقیه از صفحه ۲۳

کودک بارعایت این اصول، طفلی منطقی شده از همان سنین پائین برای انجام هرکاری قبلاً فکر میکند و باین وسیله راه آزادی و اتکاء به نفس را پابای خودطفی میکند .

در بعضی از موارد میتوان عملاً بعضی از مطالب را بکودک فهماند ، مثلاً باو نشان داد که بخاری گرم است و اگر بان دست بگذارد دستش میسوزد یا سوزن دستش را زخم میکند و یا اگر از مندلی بالا برود ممکن است بیافتد و بالاخره مثالهایی از این قبیل .

بناشان دادن اثرات سوء بازی با این اشیاء طفل براحتی دلائل را میپذیرد در حالیکه اگر باتنبیه بخواهیم این کار را انجام دهیم نتیجه معکوس عایدمان میشود .

کودک احساس میکند که بعضی از اتفاقات نتیجه مستقیم اعمال اوست ، مثلاً اگر دیر بخانه بیاید غذائی برایش باقی نماند، یا اگر اسباب بازیهایش را جمع آوری و مرتب نکند روز بعد مقداری از آنها گم میشود .

به هر تقدیر کودک نباید فکر کند که همه چیز بصورت امر و دستور میباشد زیرا در این صورت از انجام آن بیشتر سربچی میکند .

## نتیجه

بطور کلی تنبیهات اجباری و سختگیریهای بسیار در اصلاح کودک کاملاً بی تاثیر است در اینصورت کودک همه چیز را با ترس و دلهره پذیرفته بیم و هراس همواره او را از دیگران گریزان میکند و احساس اجتماعی شدن را در او از بین میبرد . گذشته از این طفل باید کم کم درک کند که طبیعت اشیاء از یکطرف و وابستگی او به یک اجتماع متشکل از طرفی دیگر محدودیتهایی برای او بوجود میآورد . بنابراین وظیفه ماست که بتدریج این محدودیتها را باو شناسانیم و باین وسیله از وقوع حوادث ناخوشایند جلوگیری نمائیم .

همانطور که بارها ذکر شد بهتر است کلیه مسائل را با ذکر دلائل خوبی یا بدی آنها بکودک بفهمانیم . اگر عمل بدی انجام داد تنبیه کردن او بیفایده است ، گاه اتفاق میافتد که طفل این تنبیه را بحساب دشمنی و کینه توزی بزرگترها گذاشته اویز همواره حالتی خصمانه در مقابل دیگران بخود میگیرد .

بنا بر این نباید طفل را از قوانین اجتماعی و دلائل منع بعضی از آنها بیخبر بگذاریم بلکه لازم است به موازات رشد طفل او را در جریان کلیه مسائل اجتماعی گذاشته ذهن او را روشن نمائیم ●

### مکتب مام

صاحب امتیاز و مدیر

دکتر آصفه آصفی

با همکاری شورای نویسندگان

نشریه ماهانه

انجمن ملی اولیاء و مربیان

مرکز آسیائی

انجمنهای ملی اولیاء و مربیان

عضو فدراسیون جهانی

مدارس اولیاء و مربیان

شماره دوازدهم

اسفندماه ۱۳۴۸

تلفن ۳۳۴۲۳۷

محل انتشار :

تهران خیابان هدایت چهارراه

ولی آباد شماره ۲۸

اشتراک سالیانه ۱۰۰ ریال

چاپ کیهان

نقل مطالب و نتیجه تحقیقات این

مجله با ذکر مأخذ و با توجه به

قوانین مطبوعاتی آزاد است .